

مرز تصویرسازی کاریکاتور کجاست؟

Where is the border between
cartoon and illustration?

کاظم طلائی

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

بی شک، کسانی که در عرضه مطبوعات، به ویژه در نشریات کودک و نوجوان فعالیت دارند، با تقابل این جملات: «این مقاله نیاز به یک تصویر طنز دارد» و یا «کار شما به نقاشی نزدیک تر است تا به تصویر سازی» سرو کار داشته اند. به راستی، حد و مرز تصویر سازی و کاریکاتور کجاست؟ آیا تصویری که حاوی طنز و لطراف باشد، در حیطه ی کاریکاتور قرار می گیرد؟ چه لثری را «نقاشی» و چه لثری را «تصویر سازی» می دانیم. حد و مرزهای «تصویر سازی»، «کاریکاتور»، «نقاشی» و حتی «کرافتیک» چگونه مشخص می شود و آیا لزومی برای تفکیک آنها وجود دارد؟ فصل مشترک یا افتراق آن ها را چگونه می توان تعریف کرد؟ آیا لزوما کاریکاتور نیست ما می بایست در زمینه ی تخصصی خود فعالیت کنند یا نقاشان لز عهده تصویر سازی نیز بر می آیند و اساسا آیا نقاشی یک نوع تصویر سازی نیست؟

در ریاضیات موضوعی با عنوان «حد» داریم. «حد» دو عدد فضایی خالی میان آن دو است که یا اضافه کردن در صددی، این دو عدد می توانند به هم نزدیک یا دور شوند اما هیچ گاه به هم نمی رسند. این موضوع، ذهن ما را به درک فواصل میان این رشته های هنری نزدیک می کند.

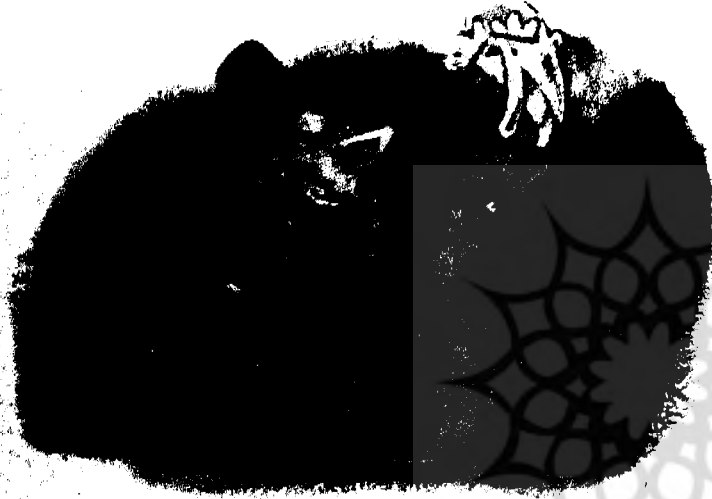
در مورد «تصویر سازی» باید گفت هر گاه فرم و رنگ و سطح در خدمت موضوعی (تخیلی، علمی، تاریخی و غیره) قرار بگیرند و در لقای مفهومی به ما کمک کنند یا انگیزه پی گیری موضوع مورد مطالعه را بیش تر سازند، آثاری به وجود می آیند که در محدوده ی «تصویر سازی» قرار می گیرند.

اما کاریکاتور که خود به شاخه های مختلفی تقسیم می شود بیا به کارگیری فرم و رنگ و استفاده از افتراق سعی در بیان طنز آمیز و کنایه وار به موضوعات مورد نظرش دارد.

سه رشته نقاشی، تصویر سازی و کاریکاتور دارای تقسیماتی اند که برای هر یک معانی و تعاریفی نکر شده است. اما آنچه در این مختصر می آید بر داشت کلی از این سه رشته است.

اساسا، تصویر سازی سلختن تصویر برای منظوری است که بتواند محتوای یک مطلب علمی و یا یک موضوع تاریخی یا یک داستان تخیلی را

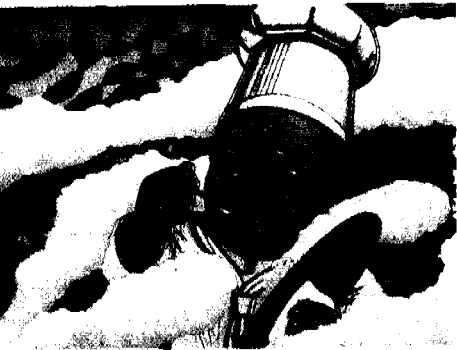
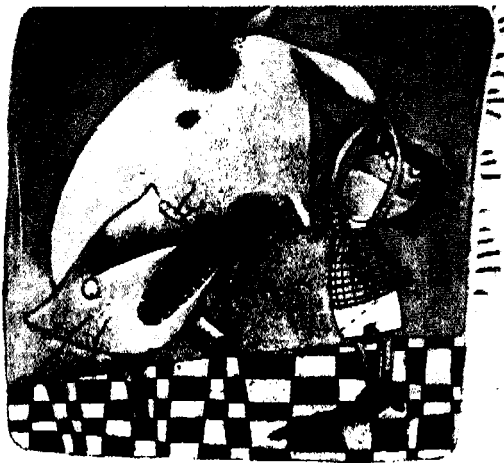
به مخاطب منتقل کند. البته فرم و اجرای تصویر بسته به گروه سنی مخاطبان متفاوت می شود. زمانی که می خواهیم مطلب طنز آمیزی را به مخاطب بزنیم، به همان نسبت این تصویر سازی ما متفاوت می گردد. و زمانی هم که داستان های تخیلی به تصویر کشیده می شوند، تصویر گر از کاریکاتور و گاهی از ابزارهای رنگ و نقلی بهره می برد تا تصویر بیافریند که اغراق و نفورمه کردن عناصر در آن، بیان جدیدی را ارائه کند. تصویر گر تلاش می کند با اضافه کردن جوهر رنگ و ایجاد فضای غیر معمولی تصویر را در خدمت خلق محتوای یک رمان یا داستان تخیلی در آورده که این امر در اغتای فضای ذهنی مخاطب کمک بسزایی می کند. در واقع، این رشته ها دائما در حیطه ی کار خود از ویژگی و نمودهای رشته های هم مرزشان وام می گیرند و وام می دهند و این داد و ستد دائما در حال انجام است. آن ها به این شکل حیطه ی عملکرد خود را گسترش می دهند.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

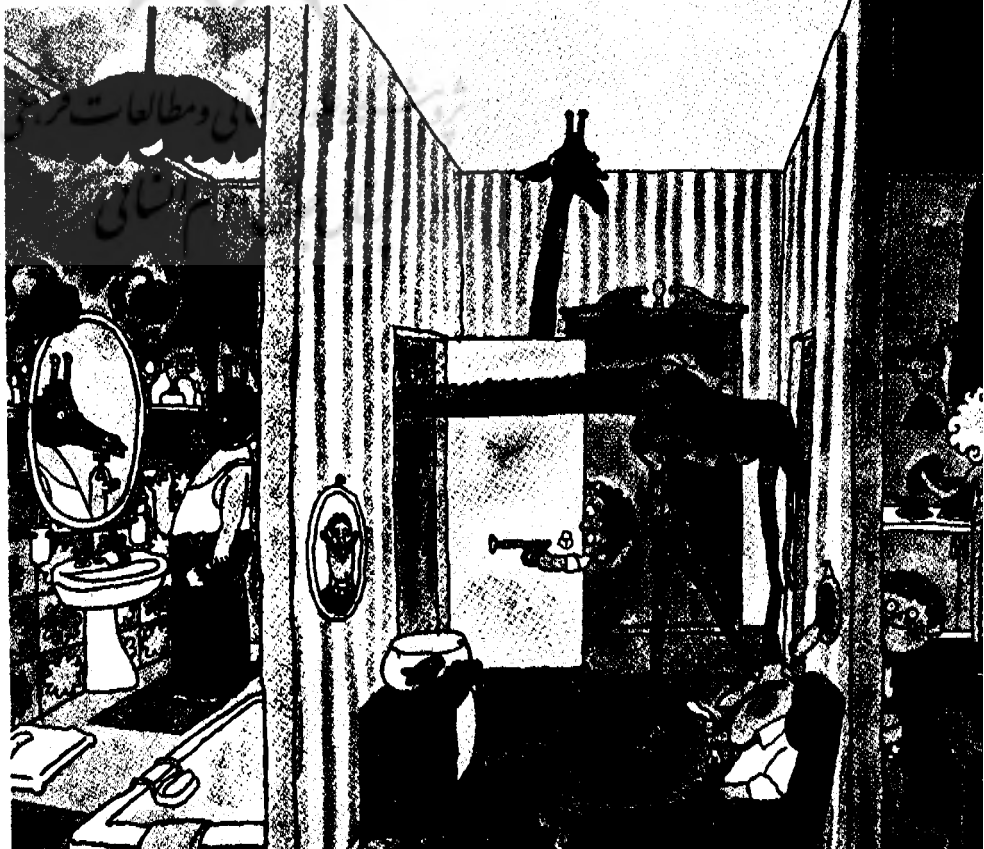
مدهاست تولید کنندگان کتاب های درسی و آموزشی به دنبال روش ها و سبک هایی هستند تا از تصویر سازی به شکل مطلوبی در جهت انتقال مفاهیم آموزشی بهره بگیرند. آنچه نزد علمای تعلیم و تربیت و مولفان کتاب های درسی، بخصوص در کشورهای پیشرفته دیده می شود، استفاده از عناصر کاریکاتور در تصویر سازی های آموزشی برای کودکان و نوجوانان است. استفاده از خطوط لرزان، رنگ های شفاف و جذاب و به کارگیری اغراق در حد مطلوب، باعث شده است کتاب های درسی از حالت خشک و کسل کننده خارج شوند و انرژی مضاعفی را در مخاطبان ایجاد کنند.

زمانی که نقاش از بیان تصویری برای انتقال مفاهیم بیرونی سود می جوید و خود را ملزم به انتقال مفهومی می کند، یابستر بگویم کار را به سرعت سفارش انجام می دهد. در واقع به دنیای تصویر سازی وارد می شود. در مورد کاریکاتور هم این اتفاق می افتد که نمونه های بارز آن شهرت جهانی دارند. کونتین بلیک که برنده ی جایزه هانس کریستین آندرسن نیز است، فرم ها و نوع رنگ آمیزی آزاد و با جسارت را از کاریکاتور وام می گیرد و در کم ترین ضربات قلم و تاش رنگ به غنی ترین تصویرها می رسد که این همه در خدمت بیان موضوعی است که به طراح سفارش داده شده است. قبل از کار، ارتباط نزدیک با نویسنده و همسویی با او سبب می شود این ارتقا در عالی ترین سطح ممکن روی دهد.

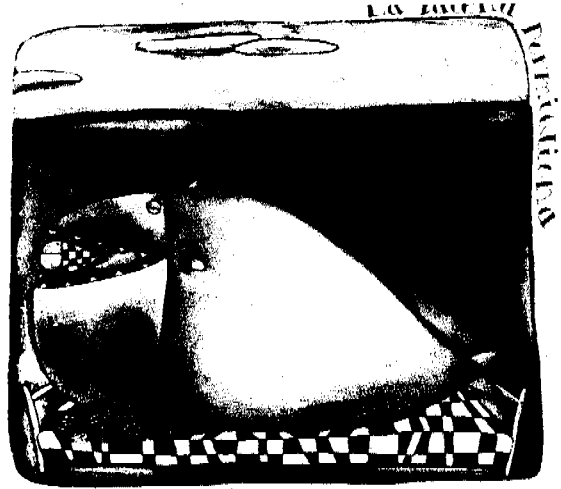


از تصویر سازی که از دنیای نقاشی پا به دنیای تصویر سازی گذاشته اند. یکی جیمز گراهام انگلیسی است که به شکلی بدیع تکنیک های مدرن نقاشی را در خدمت ساخت تصویر می گیرد. نکته ای که باید در اینجا به آن اشاره کرد این است که تصویر سازی یکی از شاخه های گرافیک محسوب می شود، اما در دو دهه ی اخیر به دلیل توجه و تنوع مخاطبان، این رشته به سمتی پیش رفته است که خود را یک حیطه ی مستقل با شاخه های داخلی خود معرفی می کند. دید تصویر سازان از دریچه ی گرافیک منجر به ارائه کارهای بسیار خاص و ویژه شده است، گویی نوع گویش به یکباره متفاوت، تاثیر گذاشته است. تقسیم بندی های گرافیکی استفاده از رنگ های تخت و رنگ های مکمل و متضاد و فضاسازی های ساده و رنگ های تمپلات منجر به تولید تصویر هایی می شود که وام گرفته شده از دنیای گرافیک و قدرت ارتباطی آن است.

کیوتا پاکوسکا نیز از جمله افرادی است که علاوه بر استفاده از تکنیک ها و نگاه گرافیکی در تصویر



PARANOIA TO THE RIGHT OF US!



سازی ، از ابزار چاپ و صحافی با نگاه ویژه اش بهره می برد و محصولی می آفریند که بسیار متفاوت و تاثیر گذار است .
 می بینیم که رشته های مختلف هنر های تجسمی در جهت اهداف خود چگونه از هم بهره برداری بهینه می کنند و همسو با نگاه تصویر گران ، شکل های نویسی را به خود می گیرند . اما آنچه به عنوان پایه و اصل در میان این هنرمندان مد نظر قرار می گیرد این است که مخاطب شناسی و دست یافتن به تصاویر برای آنان حرف اول و آخر را می زند . بنابراین ، ابزار تنها در خدمت ساخت تصویر انتخاب می شوند . در واقع ، استفاده ی بجا از نوع نگاه کاریکاتوریست ها ، نقاشان ، مجسمه سازان و گرافیکست ها است که در یک ذهن پویا و ظریف ، تبدیل به ساخت تصویر ی می شود که می گوئیم این نه نقاشی ، نه کاریکاتور و نه گرافیک است ، بلکه یک تصویر سازی خوب و موفق است .

